

النكاح الدائر على المثل السائر

www.ketab.ir





کتابخانه ملی ایران

سرشناسه	ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله، ۵۸۶ - ۶۵۵ ق.
عنوان قراردادی	الفلک الدائر علی المثل السائر. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	الفلک الدائر علی المثل السائر / مولف ابن ابی الحدید؛ ترجمه، مقدمه و تعلیق نول واعظ، صادق ابراهیمی کاوری.
مشخصات نشر	تهران: چاپار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۲۴۶ ص.
شابک	978-600-276-158-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	ص.ع. لاتینی شده:
یادداشت	Ibn Abit-Hadid al-Mu'tazili. Al-Falak al-da'ir 'ala l- muthul al- sa'ir.
یادداشت	کتاب حاضر ترجمه شرحی بر کتاب «المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر» تألیف اسماعیل بن احمد ابن اثیر است.
یادداشت	کتاب: ۲۲۱ - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	ابن اثیر، اسماعیل بن احمد، ۶۵۲ - ۶۹۹ ق. المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر -- نقد و تفسیر
موضوع	ادبیات عربی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	Arabic literature-- 13th century- History and criticism
موضوع	شعر عربی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	Arabic poetry -- 13th century -- History and criticism
شناسه افزوده	واعظ، بتول، ۱۳۶۱، مت. مقدمه نویسی
شناسه افزوده	ابراهیمی کاوری، صادق، ۱۳۴۰، ترجم، مقدمه نویسی
شناسه افزوده	ابن اثیر، اسماعیل بن احمد، ۶۵۲ - ۶۹۹ ق. المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر. شرح
رده بندی کنگره	PJ۸۴۲۱۷
رده بندی دیویی	۸۹۲/۷۰۹۰۰۴
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۳۷۳۹۰



تهران: ۸۸۸۹۹۶۸۰ - ۹۱۳۱۹۶۰۲۱۴

تهران - خیابان ولی عصر (عج) - بالاتر از زرتشت

کوچه نوربخش - پلاک ۴۰ - نشر چاپار

الفلک الدائر علی المثل السائر

ابن ابی الحدید

ترجمه و تعلیقات:

بتول واعظ، صادق ابراهیمی کاوری

صفحه‌آرا: زحیم کبیرصابر

طراح جلد: سرور محمدی برنج

ناظر فنی چاپ: محمد محمدی

چاپ اول ۱۳۹۹

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۶-۱۵۸-۳ ISBN: 978-600-276-158-3

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

یادداشت دکتر احمد تمیم‌داری بر ترجمه الفلک الدائر.....	۱۳
مقدمه ترجمه.....	۱۷
شرح و تعلیقی ر کتاب الفلک الدائر ابن ابی الحدید.....	۱۹
۱. روش شرح متن.....	۲۰
۲. مترادف در زبان.....	۲۳
۳. اشتراک لفظی.....	۲۵
۴. دلالت‌های معنایی مختلف یک عبارت (دیدگاه هرمنیوتیکی ابن ابی الحدید).....	۲۸
۵. حقیقت و مجاز.....	۲۹
۶. فصاحت و بلاغت.....	۳۵
۷. جناس.....	۳۶
۸. ژانرشناسی (گونه‌شناسی ادبی).....	۳۷
منابع و مأخذ.....	۴۱
مقدمه مصححان.....	۴۳
۱. ابن ابی الحدید شرح زندگی او.....	۴۳
۲. آثار ابن ابی الحدید.....	۴۴
۳. شعر ابن ابی الحدید.....	۴۵
۴. انگیزه ابن ابی الحدید از تألیف کتاب «الفلک الدائر».....	۴۸
۵. روش‌شناسی تصحیح کتاب الفلک الدائر.....	۴۹
۶. مشخصه کلی نقد ابن ابی الحدید (نقد درست، نادرست و غیرمنصفانه).....	۵۰
الفلک الدائر علی المثل السائر.....	۵۷
مقدمه ابن ابی الحدید.....	۵۹

■ مسائلی که ابن ابی الحدید در نقد این اثیر بدان‌ها پرداخته، عبارت است از: ۶۲.....

بیان و شیوه حمد خداوند ۶۲.....

تعلیم بیان ۶۲.....

عطف فعل بر اسم ۶۳.....

ادعای فضل و برتری ۶۳.....

موضوع علم نحو ۶۴.....

شارحان اشعار ۶۵.....

پیوند ادب با عزم ۶۵.....

نقش اعراب در فهم معنی ۶۶.....

تصغیر اسم خمس ۶۷.....

آیا ابونواس در «ربرد»ی، اشتباه کرده است؟ ۶۷.....

آیا ابوتمام در کاربرد واژه «ادت»، اشتباه کرده است؟ ۶۹.....

آیا موضوع «جمع در حال تنه»، بر مبنای پوشیده مانده است؟ ۷۰.....

نیاز به ادغام ۷۱.....

ترادف ۷۲.....

اشتراک لفظی ۷۲.....

پیوند اسم مشترک با جناس ۷۲.....

آیا در قرآن، کلمات مشترک وجود دارد؟ ۷۵.....

آیا اسم‌های مشترک را قبایل مختلفی وضع کرده‌اند؟ ۷۶.....

تعریف مثل ۷۶.....

مقایسه میان سخن ابن اثیر و عبدالرحیم بن علی بیسانی ۷۷.....

یکی از فواید شناخت ادغام ۷۹.....

تأویل عبارت به دو معنای متضاد ۷۹.....

تفسیر بیت متنبی ۸۱.....

تفسیر بیت دیگری از متنبی ۸۳.....

آیه‌ای از قرآن کریم که بر دو معنا دلالت دارد ۸۹.....

عبارتی که بر دو معنا دلالت دارد ۹۰.....

عبارت دیگری که بر دو معنا دلالت دارد ۹۱.....

عبارتی از تورات که دارای دو وجه معنایی است ۹۱.....

سخنی از افلاطون که محتمل دو وجه معنایی است ۹۲.....

بیتی از ابوصخر هذلی که محتمل دو وجه معنایی است ۹۳.....

هیچ پیوند معنایی میان دو واژه «کهنات» و «وزن»، وجود ندارد.....	۹۴
ابزار ترجیح میان حقیقت و مجاز.....	۹۵
بیان ترجیح میان حقیقت و مجاز.....	۹۶
دلالت قرینه دقیق بر مراد متکلم.....	۹۹
دلالت قرینه متقدم بر معنای موردنظر متکلم.....	۱۰۰
تعریف حقیقت.....	۱۰۱
تفاوت میان حقیقت و مجاز بر اساس متبادر شدن به ذهن.....	۱۰۳
تفاوت میان حقیقت و مجاز از این جهت که جایز است حقیقت بر نظایر خود به‌طور کلی، صدق کند:.....	۱۰۴
آیا هر مجازی، حقیقتی دارد؟.....	۱۰۵
تفاوت بین فصاحت و بلاغت.....	۱۰۶
دیدگاه ابن اثیر در تعریف فصاحت.....	۱۰۸
آیا فصاحت تنها مختص الفاظ است؟.....	۱۰۹
پیوند فصاحت با کلام.....	۱۱۰
فصیح به چه معناست؟.....	۱۱۰
استدلال و تعلیل در علم بیان.....	۱۱۱
نثر منظوم و نمونه‌هایی از سخنان ابن اثیر در این باب.....	۱۱۲
دور بودن مخارج حروف لفظ.....	۱۱۶
الفاظ قریب‌المخرجی که زشت شمرده نمی‌شوند.....	۱۱۷
ابن/اثیر: ابونواس در آوردن لفظ «الظرف» در بیت زیر اشتباه داده است:.....	۱۱۷
آیا ظرف (کیاست و زیرکی) به زبان اختصاص دارد؟.....	۱۱۸
آیا طولانی بودن لفظ، موجب زشتی آن است؟.....	۱۱۹
تکرار معنا در سجع دوم.....	۱۲۰
انواع تصریع.....	۱۲۲
انواع جناس.....	۱۲۶
نمونه‌ای دیگر از جناس.....	۱۲۸
نوع دیگری از جناس.....	۱۲۹
موازنه.....	۱۲۹
صناعت معنوی.....	۱۳۰
عدول از حقیقت به مجاز.....	۱۳۱
تشبیه و تأکید.....	۱۳۳
هدف از کاربرد تأکید در سخن.....	۱۳۴

- ۱۳۶ اتساع
- ۱۳۶ نواع مجاز از نظر غزالی
- ۱۳۷ نوع اول مجاز؛ نامیدن شیء به اسمی که در یک ویژگی با آن مشارکت دارد (مجاز به علاقه شباهت)
- ۱۳۷ نوع دوم مجاز؛ نامیدن شیء به اسمی که به آن تأویل می‌گردد (مجاز به علاقه مایکون)
- ۱۳۹ نوع سوم مجاز؛ نامیدن شیء به نوعی از آن
- ۱۴۰ نوع پنجم مجاز؛ نامیدن شیء به آنچه به آن خوانده می‌شود
- ۱۴۰ نوع ششم مجاز؛ نامیدن شیء به اسم مکان آن (مجاز محل و حال)
- ۱۴۱ نوع هفتم مجاز؛ نامیدن شیء به اسم چیزی که در مجاورت آن است (مجاز به علاقه مجاورت)
- ۱۴۲ نوع هشتم مجاز؛ نامیدن شیء به اسم جزء آن (مجاز به علاقه جزء و کل)
- ۱۴۲ نوع نهم مجاز؛ نامیدن شیء به اسم ضد آن
- ۱۴۳ نوع دهم مجاز؛ نامیدن شیء به فعل و عملکرد آن
- ۱۴۴ نوع یازدهم مجاز؛ نامیدن شیء به کل آن
- ۱۴۵ نوع دوازدهم مجاز؛ افزودن فایده به کلام
- ۱۴۷ نوع سیزدهم مجاز؛ نامیدن شیء به اسم آن
- ۱۴۷ نوع چهاردهم مجاز؛ کاهش و تقیانی شیء به معنا خدش‌های وارد نمی‌کند
- ۱۴۸ دربارهٔ شروط بلاغت تشبیه
- ۱۵۰ تجرید
- ۱۵۱ دیدگاه ابوعلی فارسی دربارهٔ تجرید
- ۱۵۲ اعتراض ابن اثیر بر ابوعلی فارسی و دفاع ابن ابی‌الحدید از او
- ۱۵۳ اعتراض دیگری بر ابوعلی فارسی و دفاع ابن ابی‌الحدید از او
- ۱۵۳ اعتراض بر ابوعلی فارسی در باب همان موضوع پیشین (تجرید)
- ۱۵۵ التفات
- ۱۵۶ مقصود زمخشری از التفات
- ۱۵۷ اعتراض ابن اثیر بر زمخشری و دفاع ابن ابی‌الحدید از او (زمخشری)
- ۱۵۸ تأکید ضمیر متصل با ضمیر منفصل
- ۱۵۹ تأکید ضمیر متصل با ضمیر متصل
- ۱۶۰ عام و خاص
- ۱۶۲ فرق میان دو عبارت «ذَهَبَ اللَّهُ نُبُورَهُمْ» و «أَذْهَبَ اللَّهُ نُورَهُمْ»
- ۱۶۳ شیوة منفی ساختن اسم جنس
- ۱۶۵ تفسیر آیه «لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»
- ۱۶۷ تفسیر آیه «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا»

یادداشت دکتر احمد تمیم‌داری بر ترجمه الفلک الدائر

علوم بلاغت از روزگاران گذشته تا کنون، همواره در معرض تحقیق و تفحص بوده است. نویسندگان بزرگ، شاعران برجسته و خطیبان معروف و غیرمعروف در همه سرزمین‌های متمدن و فرهنگ اسلامی از علوم بلاغت بهره‌مندی داشته‌اند.

در تاریخ ادب و اسلام همواره عالمان بلاغت به قرآن توجه کرده‌اند تا بتوانند از بلاغت بی‌نظیر این کتب الهی، اعجاز آن را دریابند. انتخاب الفاظ و ترکیبات و کاربرد انواع جمله نیز با توجه به علم بلاغت، از اهمیت بسیاری بوده است. نثرنویسان، ناظران، شاعران و خطیبان در اثر ممارست آگاهی از علم معانی، بیان و بدیع لفظی و معنوی کلام خود را آراسته می‌نموده‌اند.

در کتاب مهم «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر» پس از خطبه، نویسنده به توضیح درباره اهمیت علم بیان و کتاب‌هایی که پیش از او در این زمینه نگارش یافته، پرداخته است. موضوع علم بیان و ابزار و ادوات این علم توجه او را جلب نموده، به همین دلیل به شناخت علم عربیت اعم از صرف و نحو مبادرت ورزیده است. شناخت ایام عرب، اطلاع از نظم و نثر و شناخت احکام سلطانیه اعم از امامت، امارت، قضا، حاکمیت و غیر آن، وجهه همت و توجه او بوده است، زیرا کاتب و ناظم و شاعر و نثرنویس بران باید بداند امور، باید به علوم بلاغت آگاهی داشته باشند و هم از احکام جاری در سرزمین خود ناظر گردند.

شناخت مجاز و حقیقت و فصاحت و بلاغت از مهم‌ترین بحث‌های کتاب ابن اثیر است. وی حفظ قرآن کریم و احادیث نبوی و دانستن اشعار مهم شاعران را از لوازم صنعت بلاغت دانسته است و حتی آشنایی با الفاظ، مخارج حروف و تعداد حروف کلمات را در کاربرد آن‌ها ضروری می‌داند.

کتاب «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر»، اثر مهم ضیاءالدین بن اثیر جزری (۵۵۸-۶۳۷) است که به شیوه علمای متقدم بر کاتب، ادیب و عالم علم بلاغت واجب شمرده است که به تمامی علوم وقوف یابد. کاتب کسی است که باید در تمامی فنون و علوم تعمق داشته باشد. او برای دانشمند علم بلاغت، معرفت به هشت نوع دانش را ضروری می‌داند:

۱. معرفت به صرف و نحو ۲. معرفت به لغت یا واژه‌شناسی ۳. آشنایی به امثال و ایام عرب ۴. آگاهی به نظم و نثر عالمان متقدم ۵. معرفت به احکام سلطانیه در بحث امامت، فرمانروایی، قضاء و حسبه ۶. حفظ قرآن کریم و کاربرد آیات به مناسبت‌های گوناگون و آشنایی با مواقع و موارد اسرار بلاغت و فصاحت ۷. حفظ اخبار و احادیث نبوی ۸. معرفت به دانش‌های شعری و تمایز نهادن آن با نثر؛ آشنایی به علم عروض و زحافات و آنچه در شعر جایز بوده و شاعران بدان نیازمندند، آشنایی با علم قوافی و ردیف و روی و ردف نیز از ضروریات است.

بر اساس متن کتاب، این اثر به منابع و مآخذی مراجعه کرده است که اهم آنها عبارت‌اند از:

۱. تفسیر بلاذری و تفسیر نقاش موسوم به «شفاء الصدور» ۲. منابع مربوط به حدیث نبوی از قبیل کتاب «الاصحاب»، صحیح بخاری، صحیح مسلم، «موطأ» مالک، سنن ترمذی، سنن ابی داود، سنن نسائی، دیگر کتب حدیث ۳. احیاء علوم الدین و کتاب الأربعین ابوحامد محمد غزالی ۴. کتاب «الخصائص» ابوالفتح بن جتنی و کتاب «تعریف» ابو عثمان مازنی، کتاب «الفصیح» امام ثعلبی، کتاب «اصلاح ما تفلط فیہ العامه» ابومنصور جوانیقی و «مجمع الأمثال میدانی» ۵. دواوین شاعران و شرح آنها، نظیر کتاب «الروضه» محمد بن یزید میرد، اشعار ابونواس، کتاب «عقدالعریده» ابن عبد ربّه، دیوان حماسه ابوتمام، «البیان و التبيين» جاحظ بصری، مقامات حریری، رسائل صاحب بن عبّاد، «لزوم مالا یلزم» ابوالعلائی معری، دیوان فرزددق، ابوتمام، متنبی، ابونواس، حنظل بن ابراهیم، کشاجم، دیک‌الجن، ابوالعاهیه و غیره ۶. معتبرترین کتاب‌های بلاغت از نظایر این اثر مانند کتاب «الموازنه» ابوالقاسم حسن بن بشر آمدی و کتاب «سرّ الفصاحه» ابومحمد سعید بن سنان خفاجی.

در میان کتاب‌های علم بیان، از آثار ابوالحسن علی بن عسکری بن ابی حمزه، قدامه بن جعفر، ابوهلال عسکری، ابوالعلاء محمد بن غانم و دیگران بهره برده است. همچنین کتاب‌هایی چون «البديع» عبدالله بن معتمر، «الوساطه بین المتنبی و خصومه» قاضی ابوالحسن علی بن عبدالعزیز جرجانی، «حلیه المحاضره» حاتمی، «دلائل الإعجاز» و «اسرار البلاغه» عبدالقاهر جرجانی و مقدمه ابن افلاح بغدادی، پیوسته از مراجع مطالعه او بوده است.

کتاب «الفلك الدائر علی المثل السائر» ابن ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۶ق)، درواقع نقد و جرح مفصلی بر کتاب «المثل السائر» ضیاءالدین بن اثیر است که دکتر احمد الحوفی و دکتر بدوی طبانه بر آن مقدمه نوشته و به تحقیق و تعلیق این کتاب پرداخته‌اند. این دو محقق، ابن ابی‌الحدید را با عنوان مدائنی معتزلی شیعی، فقیه و شاعر معرفی کرده‌اند. او در علم کلام بر مذهب معتزلیان و ادیبی ماهر در نظم و نثر عربی بود. در محرم سال ۶۵۶ که هلاکوخان

مغولی به بغداد حمله‌ور شد و به غارت و قتل و تخریب پرداخت، ابن ابی‌الحدید و برادرش، موفق‌الدین احمد بن ابی‌الحدید، جان به‌در بردند و در حمایت مؤیدالدین محمود بن علقمی، درآمدند که سمت وزارت داشت. خواجه نصیرالدین طوسی که به مقام وزارت هلاکو رسید، از آنان حمایت و کتابخانه بغداد را به آن دو واگذار کرد.

ابن ابی‌الحدید در مقدمه «الفلک الدائر»، اثر ابن اثیر را به دو بخش محمود و پسندیده و مردود و ناپسند تقسیم می‌کند. بخش محمود، مربوط به صناعت نویسندگی اوست که مگر در مواردی جزئی، از مهارت و برازندگی برخوردار است، اما بخش مردود اثر او، مربوط به بلندپروازی‌ها، جدال‌ها و احتجاجات و اعتراض بر دانشمندان و خودپسندی و خودشیفتگی افراطی اوست.

ابن ابی‌الحدید نقدهای بسیاری بر دیدگاه‌های ابن اثیر در این کتاب وارد کرده است. برای مثال، در بحث حقیقت و مجاز تردید کرده که چگونه ممکن است واژه‌ای در اصل به معنای حقیقی به کار رود در جایی دیگر به معنای مجازی؟ آنچه معنای اصلی و حقیقی واژه گمان می‌شود، ممکن است مجاز برای آن معنی بوده باشد. حقیقت در وضع اصلی لغت، چندان معنا ندارد، زیرا واژگان در میان اصناف مردم می‌گردد و هر گروه و صنفی از آن، معنای خاصی دریافت می‌کند.

کسانی که در آغاز لغتی را برای معنایی به کار برده‌اند، به مجاز یا حقیقت توجه نداشته‌اند و این نکته، صحیح نمی‌نماید که واژه‌ای در اصل برای معنایی مشخص و ثابت وضع شده، سپس به معنای مجازی به کار رفته باشد. ابن ابی‌الحدید در موضوع حقیقت و مجاز لغوی، نظریات بدیعی ابراز داشته است؛ مانند این که هر صراح اولیه، به حقیقت و مجاز نظر نداشته است. هر واژه‌ای را که مجاز بدانیم، پیش از آن برای معنای دیگری وضع شده است؛ بنابراین، حقیقت معنی، همان است که اکنون برای آن وضع می‌شود. واژگان در طول عمر خود برای معنای گوناگونی وضع شده‌اند و به قول هالیدی، مثل «دست» «دستور زبان نقش‌گرا»، باید بافت موقعیت را شناخت. هزاران واژه در هزاران موقعیت برای معنای گوناگونی وضع می‌شوند و به کار می‌روند. حقیقت و مجاز اموری نسبی هستند. تازه اگر بپذیریم معنای مجازی از اصل معنای حقیقی به‌دست می‌آیند، پس از مدتی که از کاربرد آن‌ها می‌گذرد، تبدیل به معنای حقیقی می‌شوند. بنا به نظر ابن ابی‌الحدید هرگاه لفظی برای موضوعی وضع می‌شود، برای همان موضوع، حقیقت به‌شمار می‌آید «متی استعمل اللفظ فی ذلک الموضوع، کان حقیقه» (بخش چهارم الفلک الدائر، ص ۸۶).

این نظریات ابن ابی‌الحدید، یادآور نظریات هالیدی، جورج لیکاف و ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی است. اگر کسی نظریات او را بخواند و نداند که او عالم قرن هفتم هجری است،